

مؤلفه‌های سبک زندگی تمدن‌ساز در اندیشه و نظام فکری رهبر معظم انقلاب

با تأکید بر بیانیه گام دوم

حسین عرب‌نژاد زرنندی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

این پژوهش در راستای تبیین جایگاه سبک زندگی در نظام انقلابی تمدن‌ساز با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب نگارش یافته و می‌کوشد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که مؤلفه‌های سبک زندگی تمدن‌ساز در اندیشه و نظام فکری رهبر معظم انقلاب کدام است؟ تعبیر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم درباره سبک زندگی، «مقابله با ترویج سبک زندگی غربی» است که دلالت بر واکنش دفاعی دارد. سبک زندگی نقش و جایگاه مهمی در تمدن‌سازی دارد و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد؛ به طوری که بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه ناشی از وجود کاستی‌ها در زمینه سبک و سلوک زندگی در جامعه است. از این رو، تحقیق در سبک زندگی در واقع گام برداشتن در جهت تعمیق ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل انقلاب است و نسبت به سایر تهدیدها، اهمیت و حساسیت بیشتری دارد. لذا دستاورد پژوهش حاضر این است که سبک زندگی نمایانگر لایه‌های باطنی و درونی هویت انسانی، مبتنی بر باورها، اقلانعی و خودجوش است و ارتباط نزدیکی با دین، فرهنگ، جامعه، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت و هویت دارد؛ به گونه‌ای که پذیرش منفعلانه و تثبیت سبک زندگی غربی، موجب از دست دادن هویت و استقلال جامعه می‌شود. همچنین برخورداری مردم از سبک زندگی اسلامی و رواج ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه به‌ویژه در میان جوانان به نحوی که از ارزش‌های اصلی جامعه محسوب شود، به تداوم انقلاب اسلامی که همان آرمان بیانیه گام دوم است منجر می‌شود.

واژگان کلیدی

نظام انقلابی تمدن‌ساز، سبک زندگی اسلامی، مؤلفه‌های سبک زندگی، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، عضو هیئت‌علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان.



مقدمه

سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و سلیقه‌هاست که اغلب میان یک جمع ظهور می‌کند و شماری از افراد را صاحب نوعی سبک زندگی مشترک می‌سازد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۷) و به آنها هویتی ویژه می‌بخشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶) و علاوه بر برآورده ساختن نیازهای انسان، روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). لذا سبک زندگی نمایانگر بخش عملی زندگی و زاینده انتخابگری انسان است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۷). سبک زندگی می‌تواند یکی از راهکارهای شناخت خودی از بیگانه نیز تلقی شود؛ چراکه سبب می‌شود افراد همسو و غیرهمسو از هم متمایز شوند (شایگان، ۱۳۸۴: ۱۴)؛ زیرا از آنجاکه سبک زندگی هویتی خاص به افراد و گروه‌ها می‌بخشد، می‌تواند در وحدت‌بخشی به افراد جامعه مؤثر باشد (توسلی، ۱۳۷۳: ۶۲). از سوی دیگر، موضوع سبک زندگی معمولاً در دو حوزه شاخصه‌های نظری و عینی مطالعه می‌شود که در این میان، شاخصه‌های نظری آن را مطالعه ارزش‌ها و هویت و شاخصه‌های عینی آن را مطالعه الگوی مصرف و کالاهای مصرفی و الگوی تفریح تشکیل می‌دهد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۸). با این حال، مهم‌ترین شاخصه در مطالعات سبک زندگی، همان مصرف است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). سبک زندگی بآنکه بحثی فرهنگی محسوب می‌شود، نقش و جایگاه مهمی در تمدن‌سازی دارد و باید برای طراحی بنای چنین تمدنی برنامه‌ریزی کرد. بسیاری از مشکلات و مسائل فرهنگی جامعه ناشی از نبود مبانی نظری، فلسفی و تنوریک در زمینه سبک و سلوک زندگی و تمدن‌سازی دینی در جامعه است. فرهنگ‌سازی در باب سبک زندگی در جامعه باید از سوی مردم و در بطن جامعه صورت گیرد. سبک زندگی به تمام اصول و مبانی که متن و بطن حیات اجتماع و انسان را شکل می‌دهد اطلاق می‌شود که از ارزش‌های دینی و عرفی جامعه نشئت می‌گیرد. سبک و سلوک زندگی حاکم بر جوامع نمایانگر فرهنگ، جهان‌بینی و اعتقادات آن جامعه است که در شیوه و نوع حیات افراد جامعه تبلور یافته است. سبک زندگی نوع دیدگاه و باورهای اصیل و اعتقادات مردم را نشان می‌دهد. شیوه و نوع زندگی مردم مهم‌ترین بخش از عرصه حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهد. از این رو پیروی مردم جامعه از سبک و شیوه زندگی اصیل و بومی، لازمه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است. پیروی از سبک زندگی



اسلامی و درونی‌سازی آن در بطن جامعه، آغازی برای اجرای اصول دینی و تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلامی در جامعه است. لازمه این امر تبعیت از احکام و فرهنگ دینی و پرهیز از الگوهای غربی سبک زندگی است. رواج ارزش‌های غربی و فرهنگ بیگانه در جامعه، مانعی در مسیر رشد و توسعه است و موجب غفلت از هنجارهای اجتماعی و فرهنگ دینی و درنهایت عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

مسئله سبک زندگی از موضوعات نوظهور در مطالعات اجتماعی است. ظاهراً نخستین بار آلفرد آدلرد در سال ۱۹۲۹ میلادی، اصطلاح سبک زندگی را برای اشاره به شخصیت اصلی فرد که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی نیز واکنش‌ها و رفتار او را کنترل می‌کند به کار برده است (همان: ۶۴). پس از او با ورود این مفهوم به ادبیات جامعه‌شناسی، در آغاز این مفهوم به‌عنوان مُعرف موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد تلقی شد (همان: ۶۵)، اما پس از جنگ جهانی دوم و در آغاز دهه ۱۹۵۰ میلادی، در پی دگرگونی‌های وسیع در وضعیت تجاری کشورهای اروپایی و با افزایش صادرات آنها و در پی آن بهبود وضعیت رفاهی مردم و تغییر در میزان تقاضای خرید بین‌المللی و مصرف داخلی، توجه به مسئله سبک زندگی ابعاد دیگری یافت؛ تا جایی که در جوامع غربی چگونه مصرف‌کننده بودن، از چه جایگاهی داشتن مهم‌تر شد (همان: ۶۶). به بیان دیگر مصرف‌گرایی به دین جوامع مُدرن تبدیل شد (باکاک، ۱۳۸۱: ۳). از دهه ۱۹۸۰ میلادی با فرایند روبه‌فزونی فردگرایی از یک طرف و رشد طبقه متوسط جوامع و افزایش افراد تحصیل‌کرده‌ای که آشکارا به‌سوی اوقات فراغت، سرگرمی و مصرف‌گرایی داشتند از سوی دیگر و نیز با افزایش بحث‌های دانشگاهی و علمی درباره پست‌مدرنیسم که ظهور ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های زندگی جدید در آن نقشی اساسی دارد، مقوله سبک زندگی نیز وارد فاز جدیدی شد و به‌مثابه مفهومی که نشان‌دهنده رویکرد تحلیلی تازه‌ای به مبحث قشریندی و تمایز اجتماعی بود، در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۲). اندیشمندانی نظیر گیدنز و فدرستون سبک زندگی را شکل اجتماعی نوینی می‌دیدند که صرفاً در بطن تحولات فرهنگی دنیای مدرن و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی، استقلال عمل فردی و آزادی‌های افراد برای انتخاب قابل فهم است و می‌تواند فرایند هویت‌بخشی به فرد را انجام دهد و جای‌گزینی برای مفهوم طبقه اجتماعی باشد (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). امروزه اندیشه‌های مدرن و پست‌مدرن با مقوله مصرف



و سبک زندگی پیوندی عمیق یافته است و اندیشمندان این حوزه‌ها معتقدند در تحلیل‌های جدید باید به مصرف و سبک زندگی توجهی ویژه مبذول داشت (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۷). درباره سبک زندگی در ایران و در دوره پس از انقلاب، باید گفت جامعه ایرانی نیز به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، بسیار متنوع است. در واقع با پایان یافتن جنگ تحمیلی، کم‌کم شاهد تأثیرپذیری بیشتر مردم از جریان‌های جهانی و تحولات بین‌المللی بوده‌ایم و این امر به تدریج بر سبک زندگی مردم نفوذ کرده، باعث ظهور جامعه مصرفی و شیوه‌های زندگی جدید شده است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹). در طول تاریخ اقتضانات زندگی مدرن به تدریج شرایطی را پدید آورد که دانشمندان علوم اجتماعی بیش‌ازپیش به الگوهای خاصی برای زندگی اندیشیدند. شرایطی از قبیل کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و فراهم شدن اوقات فراغت بیشتر برای بخش زیادی از بدنه اجتماع در قرن بیستم میلادی، الگوهای خاصی از کار، مصرف و گذراندن اوقات فراغت را به وجود آورد (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۰). از این رو، سبک زندگی ارتباطی وثیق با مقوله‌های فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، تولید، مصرف، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز تلاشی گسترده برای ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی است که خاستگاه آن فرهنگ سکولار غربی است. پذیرش منفعلانه این سبک از زندگی برای جوامع مسلمان نه تنها شایسته نیست، بلکه آثار زیان‌بار بسیاری چون از دست دادن هویت و استقلال شخصیتی دارد. در این پژوهش با رعایت سیر منطقی، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی که در تحقق و ایجاد تمدن نوین اسلامی یا نظام انقلابی تمدن‌ساز مد نظر رهبر معظم انقلاب است، معرفی و تبیین خواهد شد. روش تحقیق آمیخته‌ای از توصیف و تحلیل است. شالوده اصلی بحث بر بیانات رهبر معظم انقلاب استوار است، اما به فراخور موضوعات مطرح‌شده، از تحلیل‌های متنی، دینی و اجتماعی نیز بهره گرفته شده است.

تعاریف و اصطلاحات

۱. مروری بر بیانیه گام دوم انقلاب

هم‌زمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دلیل دوام این انقلاب طی چهل سال گذشته با وجود تمام دشمنی‌های دشمنان سرسخت، رهبر معظم انقلاب بیانیه‌ای



را تحت عنوان بیانیه گام دوم خطاب به عموم ملت ایران به‌ویژه جوانان صادر و ابلاغ کردند که دارای آموزه‌هایی جامع و کامل است. ایشان هدف غایی انقلاب اسلامی را در این بیانیه، ایجاد تمدن نوین اسلامی یا نظام انقلابی تمدن‌ساز بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است نزدیک کنید.» رهبر معظم انقلاب در این بیانیه، شعارهای انسانی و همیشه زنده انقلاب را گوشزد کردند: «اساساً انقلاب ما به معنای انقلابی ملی و ایرانی نیست، بلکه یک انقلاب اسلامی و بلکه انقلابی انسانی است. پیام ما پیام فراملیتی و فرامنطقه‌ای است. شعارهای اصلی انقلاب آزادی، اخلاق، معنویت، استقلال و برابری است که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود.» همچنین در این بیانیه به ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و توانمندی‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی اشاره کرده‌اند که می‌تواند جهانی را به حرکت درآورد و در ادامه به کارآمدی‌های انقلاب در عرصه‌های مختلف علمی، صنعتی، فناوری، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی اشاره کرده‌اند. در پایان این بیانیه ایشان هفت توصیه داشتند که عبارت است از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و فسادستیزی، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و سبک زندگی. رهبر معظم انقلاب در بیانیه درباره همه مقولات، توصیه‌ها و نکاتی را بیان می‌کنند، اما درباره سبک زندگی می‌فرمایند: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.» عبارت ترویج سبک زندگی غربی در بردارنده چهار مقوله است: سبک زندگی، مقوله‌ای فرهنگی؛ سبک زندگی غربی، فرهنگ معارض؛ ترویج سبک زندگی غربی، نشانگر تهاجم فرهنگی غرب به جامعه ما؛ مقابله با ترویج سبک زندگی غربی که دلالت بر واکنش دفاعی ما دارد. یکی از مهمترین دلایل نیاز به تمدن‌سازی نوین اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب و تحمیل سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی است. سبک زندگی با اینکه بحث فرهنگی محسوب می‌شود، نقش و جایگاه مهمی در تمدن‌سازی دارد و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. در اهمیت آن همین بس که بسیاری از



مشکلات و مسائل فرهنگی جامعه ناشی از نبود مبانی نظری و کاربردی در زمینه سبک و سلوک زندگی و تمدن‌سازی دینی در جامعه است. نکته مهمی که در بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص سبک زندگی وجود دارد عبارت جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه است که در موارد قبل چنین عبارتی را به کار نبرده‌اند. در این بیانیه حدود بیست مرتبه کلمه جهاد به کار رفته و اساساً روح این بیانیه جهادی است، اما درباره سبک زندگی تصریح می‌کنند که برای مقابله با سبک زندگی غرب، اولاً نیازمند جهادی همه‌جانبه هستیم در همه ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی و ثانیاً این جهاد همه‌جانبه باید هوشمندانه باشد؛ یعنی بسیار حساب‌شده، عالمانه و محققانه و بدون عجله و به دور از شعار و احساسات محض.

۲. سبک زندگی

سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۲: ۸۸). دانشمندانی چون ماکس وبر و زیمل در سال‌های پایانی قرن بیستم میلادی، از مجموعه‌ای از رفتارها سخن گفتند که فرد یا گروه بر اساس انگیزه‌های درونی خود و در راستای تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی خود برگزیده است (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۲). دگرگونی‌های گسترده در قرن بیستم میلادی، چرخش رویکرد جامعه‌شناسان را در تحلیل‌ها از مقوله تولید به مصرف و از اقتصاد به حوزه فرهنگ موجب شد. همین امر سبب شد به تدریج تحلیل‌ها عوض، و مفهوم سبک زندگی جای‌گزین مفهوم طبقه و مشتقات آن شود. در این وضعیت اجتماعی، افراد فارغ از تعلقشان به یک طبقه خاص، می‌کوشند با اتخاذ الگوهای رفتاری خاص، به‌ویژه در حوزه مصرف، هویتی دلخواه از خویش‌تن تعریف کنند. این امر نشان می‌دهد سبک زندگی ناشی از فرایند جامعه‌پذیری و آموزش و متأثر از موقعیت فرد در محیط اجتماعی است. لذا اندیشمندان در مطالعه سبک زندگی، به تدریج از رفتارهای عینی به سوی جنبه‌های ذهنی‌تر زندگی مثل نگرش‌ها و گرایش‌ها سوق یافتند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰)؛ زیرا در ورای بسیاری از رفتارهای انسان، طرز تلقی او از هویت اوست که خودنمایی می‌کند. براین‌اساس سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه



رفتارها و فعالیت‌های فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است (همان: ۱۲۱).

امروزه این اصطلاح، کاربرد گسترده‌ای یافته و دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی، اعم از الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش را شامل می‌شود و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی را که فرد عضو آن است نیز باز می‌نمایاند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷). اما آنچه با سبک زندگی پیوندی عمیق یافته، مصرف در تمام ابعاد و جنبه‌های آن است. بحث از سبک‌های زندگی در جامعه‌ای موضوعیت دارد که مصرف انبوه و فرهنگ مصرف‌گرایی در آن وجود دارد. این مصرف‌گرایی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که در آن فزونی کالاهای مادی وجود دارد (همان)؛ پدیده‌ای که در عصر کنونی شاهد آن هستیم و همان‌گونه که گیدنز معتقد است، افراد در جامعه کنونی بیش از آنکه با دیگر انسان‌ها سروکار داشته باشند، در محاصره اشیا هستند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۱). از آنجاکه هر مصرفی نیازمند قدرت خرید است، باید سبک زندگی را در جوامعی جست‌وجو کرد که در آن قدرت خرید باشد. از همین رو، عده‌ای معتقدند سبک زندگی در فرهنگ‌های سنتی رواج چندانی ندارد؛ زیرا مستلزم گزینش از میان تعداد زیادی انتخاب‌های پیش‌روست و این امکان در جوامع پیشامدرن وجود نداشت (همان).

در مجموع، در تعریفی کلی از سبک زندگی می‌توان گفت که سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از همه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل دارایی‌ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن و دکوراسیون منزل و... باشد که امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده‌اند. همچنین می‌تواند دربرگیرنده بینش‌ها (ادراکات، اعتقادات و جهان‌بینی) و گرایش‌ها (ارزش‌ها و ترجیحات) باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی‌اند. برای تمدن‌سازی نوین اسلامی باید در هر یک از این بخش‌ها فرهنگ‌سازی لازم صورت گیرد، تا حیات اجتماعی و نوع زندگی مردم متناسب با باورها و فرهنگ بومی آنان جریان یابد. باید این مسئله را در نظر داشت که موفقیت نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی هر جامعه‌ای به هویت‌سازی فرهنگی و اجرای رسوم، اعتقادات و فرهنگ بومی و سنتی آن بستگی دارد. این مسئله را می‌توان در نوع و شیوه زندگی تمام کشورها مشاهده کرد؛ چنان‌که



کشورهای اروپایی درصدد گسترش فرهنگ غربی و شیوه زندگی اروپایی و حتی امریکایی در دیگر جوامع هستند. از این رو با تبلیغات گسترده، فرهنگ و نوع زندگی و ارزش‌های غربی را در جوامع در حال توسعه و شرق بسط می‌دهند. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های نظام استکباری و کشورهای غربی توسعه سبک زندگی اروپایی و امریکایی در جوامع جهان است. غرب خواهان تفکیک سبک زندگی از اعتقادات مردمی و باورهای دینی است تا از این طریق سبک زندگی غربی را بین مردم مشرق‌زمین گسترش دهند. زمانی که شیوه زندگی و سلوک اروپایی در جوامع مذهبی و سنت‌مدار شرق گسترش می‌یابد، فرهنگ مهاجم غرب در طول زمان به فرهنگ غالب و برتر تبدیل، و موجب بیگانگی مردم از ارزش‌های دینی و هنجارهای بومی خود می‌شود. هر جامعه‌ای باید برای حفظ هویت بومی و فرهنگ اصیل خود، شیوه و سلوک متناسب با اعتقادات مردمی و باورهای دینی را ترویج کند و روش زندگی بومی و سبک حیات خاص خود را در بین مردم درونی سازد تا از تهاجم فرهنگ و ارزش‌های بیگانه جلوگیری کند. آگاهی از این مسئله که فرهنگ بیگانه مانعی در مسیر شکوفایی فرهنگی و رشد اقتصادی است، موجب پابندی اعضای جامعه به اصول اعتقادی و باورهای خاص جامعه خود می‌شود؛ زیرا این ارزش‌ها تاریخچه‌ای طولانی در جامعه، و با شرایط اجتماعی، فرهنگی، زمانی و مکانی تناسب دارد.

عوامل اثرگذار بر سبک زندگی

۱. باورها و ارزش‌ها

سبک زندگی محصول و معلول باورها و ارزش‌های فرد است. سبک تغذیه ما ایرانی‌ها سبک خاصی است و این نشان می‌دهد که سبک تغذیه متأثر از باورها و ارزش‌هاست. مسلمانان باوری به‌عنوان حلال و حرام دارند. اعتقاد به نبوت و وحی دارند و طبیعی است که دستورالعمل تغذیه خود را از دین می‌گیرد. همچنین سبک پوشش که در گرمسیرترین مناطق پوشیده‌ترین لباس‌ها را می‌پوشند، برخلاف کسانی که در سردترین هوا نیز سعی می‌کنند بدن خود را روغن بمالند اما آن را نپوشانند، نشان می‌دهد که مسئله سبک پوشش صرفاً محصول شرایط اقلیمی و علایق و سلاقی شخصی و گروهی نیست، بلکه متأثر از باورها و ارزش‌هاست.



۲. رفتار و عمل

سبک زندگی نیز در باورها و ارزش‌ها اثرگذار است. به عبارت دیگر، باورها و رفتارها در یکدیگر اثر متقابل و رابطه طرفینی دارند. گاه رفتار باورها و ارزش‌ها را تغییر می‌دهد و گاهی ارزش‌ها و باورها رفتار را تغییر می‌دهد. اسلام بر عمل و رفتار تأکید دارد؛ چون باورساز است و موجب تقویت یا تضعیف ارزش‌ها می‌شود. خداوند متعال چند مرتبه تأکید می‌کند از گام‌های شیطان پیروی نکنید: «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (بقره: ۱۶۸ و ۲۰۸). شیطان گام‌به‌گام به سراغ ما می‌آید. یک بار دروغ، یک بار نگاه حرام، یک بار غذای حرام، آرام‌آرام برای فرد عادی می‌شود و اساس آن ارزش اسلامی و آورنده آن زیر سؤال می‌رود و باورها دگرگون می‌شود.

۳. امیال و غرایز

نکته مهم دیگر اینکه سبک زندگی ما متأثر از امیال و غرایز است. گمان اشتباهی که وجود دارد این است که وقتی می‌گوییم سبک زندگی اسلامی، برخی فکر می‌کنند همه مسلمانان باید یک مدل و یک رنگ لباس بپوشند، یک مدل خانه بسازند، یک مدل مرکب داشته باشند، یک مدل غذا تناول کنند، درحالی‌که به هیچ وجه این تصور درست نیست، بلکه اسلام امیال و غرایز را به رسمیت شناخته، اما نه به صورتی که به آنها اصالت بدهد. اسلام در هیچ دستوری نخواست به امیال و غرایز را نابود کند، بلکه فقط به آن جهت داده است. فرموده این گزینه را در خدمت به سعادت و انسانیت خود قرار بده؛ حتی غرایز حیوانی مانند شهوت و غضب را در خدمت فطرت به کار بگیر. بنابراین امیال و غرایز در اسلام به رسمیت شناخته شده‌اند و در سبک زندگی تأثیرگذارند. در طراحی دکوراسیون منزل و پوشش و... باید امیال در نظر گرفته شود.

۴. محیط

سبک زندگی از شرایط زندگی و محیط خانه و خانواده و جامعه متأثر است. اینکه اسلام بر محیط خانواده و دوستان و معاشرت‌ها تأکید دارد، به دلیل تأثیر آن در شخصیت افراد است.

۵. شرایط اقلیمی

شرایط اقلیمی و آب‌وهوا نیز بر سبک زندگی و رفتار تأثیر دارد. حضرت امام رضا 7 وقتی به مرو وارد شدند، بر سر سفره نمک و سرکه وجود داشت و حضرت با سرکه غذای خود را آغاز کردند. در پایان نیز با سرکه غذا را تمام کردند. شخصی سؤال کرد: شما و پدرانتان به ما دستور دادید که با نمک آغاز کنیم و پایان دهیم. چرا خودتان سرکه استعمال کردید؟ حضرت خواص هر دو را برشمردند و فرمودند سرکه نیز همچون نمک است و همان خاصیت‌ها را دارد. در تحلیل این رفتار برخی حدیث‌شناسان می‌گویند شرایط اقلیمی زندگی امام رضا 7 تغییر کرده بود و شاید در آن شرایط تناول نمک مناسب نبوده است. ایشان فعالیت جدی نداشتند که املاح بدن را کاهش دهد. همچنین آب‌وهوای مرو با مدینه متفاوت و خنک‌تر از آن بود. بدن تعریق نداشت که موجب افت نمک در خون شود. البته این تنها حکمت سفارش به مصرف سرکه یا نمک نیست، اما قطعاً بی‌تأثیر هم نیست.

ویژگی‌ها و شاخصه‌های سبک زندگی

۱. نمایانگر لایه‌های درونی

سبک زندگی نمایانگر لایه‌های باطنی و درونی هویت انسانی است. کسانی که می‌خواهند کار فرهنگی و اخلاقی و تربیتی انجام دهند، باید انسان‌شناسی قوی داشته باشند و بدانند روی چه موجودی می‌خواهند کار کنند. نوع نگاه به انسان است که علوم مربوط به انسان را شکل می‌دهد. به‌هرحال سبک زندگی و رفتار، لایه بیرونی هویت باطنی و ارزش‌ها و شخصیت انسانی است، ولو ندانسته و از روی ناآگاهی باشد.

۲. اقماعی و خودجوش بودن

سبک زندگی تحمیلی نیست. باید شخص خودش بپذیرد و قانع شود که رفتار خاصی را مرتکب شود. اگر باورها درست شکل بگیرد، به‌طور خودجوش برخی رفتارها صورت می‌گیرد.



۳. تدریجی بودن

سبک زندگی تدریجی حاصل می‌شود و تدریجی نیز زایل می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «اصلاح سبک زندگی به یک مواجهه هوشمندانه نیاز دارد. شاید به همین دلیل باشد که اساساً سبک زندگی تدریجی حاصل می‌شود و شکل می‌گیرد و از آن طرف آرام‌آرام از بین می‌رود و تغییر می‌یابد. بنابراین مقوله سبک زندگی امری نیست که بخواهیم یک‌شبه ایجاد [کنیم] یا تغییر دهیم. باید در محیط‌های آموزشی و تربیتی، به تدریج و به آرامی با تقویت باورهای اسلامی و تعمیق ارزش‌ها و نیز جهت‌دهی امیال و غرایز، سبک زندگی اسلامی را در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی مانند تغذیه، پوشش، معماری، اقتصاد، کسب‌وکار، مصرف و حتی جنبه‌های عبادی نهادینه کنیم.»

سبک زندگی در اندیشه و نظام فکری رهبر معظم انقلاب

در نگاه کلی و در نسبت انسان، دنیا و جهان آخرت، سه نوع سبک زندگی کلی را می‌توان برای انسان متصور شد: نخست، سبک زندگی راهبانه که در آن، ترک دنیا و لذاپذیر آن اساس اندیشه را تشکیل می‌دهد. این نگاه را شاید در غرب دوران قبل از رنسانس بتوان به صورت جدی مشاهده کرد؛ دوم، سبک زندگی فلسفی کامجویانه از دنیاست که هیچ اعتقادی به آخرت ندارد و هدف انسان را کامجویی از دنیا قلمداد می‌کند و شاید سبک زندگی حاکم بر غرب کنونی همین دیدگاه باشد؛ سوم، سبک زندگی دینی است که هم دنیا و هم آخرت را توأمان مد نظر دارد و یکی را پلی برای رسیدن به دیگری قلمداد می‌کند (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۰). پس می‌توان گفت که سبک زندگی دینی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از همه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است که در آن باور به جهان آخرت، به عنوان غایت خلقت و نگاه به دنیا، به عنوان پلی برای رسیدن به سعادت جاویدان اخروی، بن‌مایه همه بینش‌ها و گرایش‌هاست و به همه رفتارها و انتخاب‌های فرد و گروه جهت می‌دهد. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، سبک زندگی درحقیقت همان عقل معاش است که در روایات از آن سخن به میان آمده است. این موضوع درحقیقت، نرم‌افزار تمدن اسلامی است. ایشان دو سبک کلی را برای زندگی تعریف کرده‌اند: «سبک زندگی غیرتوحیدی، که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی و عرفی بودن دین حاکم است و سبک



زندگی توحیدی، که در آن دستورات الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان ۱۳۹۱/۷/۲۳). به‌طور کلی مؤلفه‌های سبک زندگی تمدن‌ساز در اندیشه و نظام فکری رهبر معظم انقلاب را می‌توان در پنج حوزه کلی ترسیم کرد که هر یک از این حوزه‌ها دارای مؤلفه‌هایی است که خطوط کلی زندگی مسلمان را ترسیم می‌کند.

۱. مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه فکر و اندیشه

بدون تردید فکر و اندیشه هر انسانی، مهم‌ترین سرمایه اوست و در سطح کلان نیز تفکر و نحوه باورهای حاکم بر هر جامعه‌ای، تعیین‌کننده خط مشی مردم آن است. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، مسائلی چون ایمان، علم، دوری از تقلید صرف و توجه به ارزش‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های این حوزه است.

الف- ایمان

ایمان تابع تعریف انسان از زندگی و هدف آن است. رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به‌طور طبیعی متناسب با خود، سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌کند. باید هدفی را ترسیم کنیم و بدان ایمان بیاوریم و بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (همان). ایشان تبیین هدف زندگی و ترسیم اهداف والا برای زندگی را از جوانان کشور درخواست دارند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۷). بین بالا بودن ایمان و رضایت از زندگی، حتی در جوامع غربی، ارتباط مستقیم وجود دارد. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، افرادی دارای سلامت روانی هستند که دو ویژگی داشته باشند: از زندگی خود راضی باشند؛ دیگران از رفتار و اندیشه آنها احساس رضایت کنند. سلامت روانی نیز باید حداقل در سه زمینه مشهود باشد: شغل فرد، ارتباطات اجتماعی و ارتباط با خانواده. ایمان با توجه به تأثیرات متنوع و گسترده‌ای که بر ذهن انسان دارد، قیافه جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد و جهان سرد مادی را به جهانی جان‌دار و آگاه تبدیل می‌کند. روشن‌دلی، امیدواری به نتیجه خوب، آرامش خاطر، دوری از گناه، یاری خدا، استقامت و پایداری، عدم ترس و خوف، عدم شک و دودلی و داشتن ثبات



و برخورداری از لذات معنوی، مهم‌ترین آثار ایمان در راستای نیل به سلامت روانی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۸).

ب. علم و آگاهی

علم عامل عزت، قدرت و امنیت ملت است. کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان جوان در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۲). رهبر معظم انقلاب نقش علم را حتی در ساده‌ترین امور زندگی، مثل آرایش و پوشش نیز پررنگ قلمداد می‌کند: «من می‌خواهم بگویم اگر شما موی سرتان را می‌خواهید آرایش کنید، لباس بپوشید، سبک راه رفتن را تغییر دهید، بکنید، اما خود انجام دهید؛ از دیگران یاد نگیرید» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان همدان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱۷).

ج. پرهیز از تقلید

یکی از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب، تلاش برای ساختن نسلی است که از تقلید کورکورانه دور باشند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده است. فرهنگ غرب فرهنگ مهاجم و نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم بیجار در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۸). ایشان با تبیین ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی می‌فرمایند: «من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را بلند کند. تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر از این است که اینها در طول سال‌های متمادی به مغز و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی یا پایه یک نظریه علمی داشته باشید خلاف نظریات رایج و نوشته‌شده دنیا، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما مخالف با نظریه فلانی است؛ یعنی آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد



دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان همدان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱۷).

آن‌گاه تفاوت تعامل و تهاجم فرهنگی را این‌گونه بیان می‌کنند:

«تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می‌روید و آنچه را که میل‌تان می‌کشد و با مزاجتان مساعد است انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملتِ دیگر می‌گیرید. هیچ اشکالی هم ندارد. در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خواهاند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست با آمپول به شما تزریق می‌کنند» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان قزوین در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۶).

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، اگر انسان از بند تقلید رهایی یابد، عنصری می‌شود که مثل ستون، سقف مدنیت کشور و تمدن حقیقی ملت روی آن قرار می‌گیرد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان و فرهنگیان رشت در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۲).

د. توجه به نمادهای دینی

نمادها نوعی علامت است که بر اساس اندیشه یا احساس، ظهور و در فضای رفتاری، تأثیر خاصی ایجاد می‌کند. در اصل نمادها که هویت بصری دارند، ابزار ارتباط ذهنی می‌شوند و به مرور، انفکاک و جداسازی فرد از نماد مشکل می‌شود. نمادها می‌توانند به مرور زمان بر اثر توجه، انسان را به سوی فضای مثبت یا منفی سوق دهند، و این مطلب در حوزه دین به فراوانی یافت می‌شود. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، در حوزه دینی، شعائر چنین فرایندی را در انسان ایجاد می‌کنند:

«دقت در رعایت شعائر و احترام و التزام به آنها، نشان از اثری است که فراتر از فضای مادی است. مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد. بعضی‌ها به اسم اینکه ما اهل ریا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی، علامت‌های اسلامی، رفتار اسلامی و پرچم‌های اسلامی را از زندگی خودشان و مردم جمع می‌کنند. بنده مطلقاً این را توصیه نمی‌کنم» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت



در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸). «می‌گویند چرا ماتم و اشک را در بین مردم رواج می‌دهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم نیست؛ برای ارزش‌هاست. آنچه پشت سر این عزاداری‌ها، بر سر و سینه زدن‌ها وجود دارد، عزیزترین چیزهایی است که در گنجینه بشریت ممکن است وجود داشته باشد. او همان ارزش‌های معنوی الهی است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۹).

۵. توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی

توجه به مقوله ارزش‌ها در شکل‌گیری تفکر انسان‌ها نقشی اساسی دارد. رهبر معظم انقلاب این مقوله را در چند بخش تبیین فرموده‌اند:

۱. معماری اسلامی: پیش از آنکه بنایی ساخته شود، بنا اسیر انسان است، اما پس از ساخت، انسان اسیر ساختمان است. به همین جهت، اگر در مرحله طراحی بر اساس فرهنگ خودی نقشه‌ای را طراحی کنیم، میان فرهنگ ما و فرهنگی که ساختمان بر ما تحمیل می‌کند، تناقضی پیش نخواهد آمد. اما اگر معماری بر اساس فرهنگ بیگانه و غیر خودی ساخته شود، میان فرهنگ ما و فرهنگ ساختمان، تناقض پیش خواهد آمد. این تناقض در آغاز، مشکل‌ساز است، اما به مرور از فرهنگ فرد حساسیت‌زدایی شده، فرهنگ ساختمان چیره می‌شود. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین عنصر در معماری اسلامی، عنصر حیاست؛ تا جایی که ساختمان در معماری اسلامی به گونه‌ای طراحی می‌شود که حتی در صورت باز بودن در، اندرون خانه از بیرون قابل رؤیت نباشد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها در تاریخ ۱۳۷۴/۴/۱۹). توجه به نمادهای بصری و جلوه‌های ظاهری در شهر، یکی از تأکیدات مهم رهبر معظم انقلاب است؛ تأکیدی که در بردارنده اهمیت پرداختن به شکل و چگونگی اجرای پروژه‌های عمرانی و پارامترهای معماری شهری متناسب با فرهنگ اسلامی شهروندان ایرانی‌اند. شهر به‌عنوان لباس تمدن باید مملو از ظواهر و ارزش‌های تاریخی تمدن خود باشد. شهر باید نمونه‌ی اعلا‌ی هنر و فرهنگ ایرانی-اسلامی و سرشار از معنویت نهفته در ارزش‌های دینی ایرانیان باشد (پیام آغاز به کار شوراهای اسلامی شهر و روستا در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۸) و نمادهای انقلاب در معماری‌ها مشاهده شود (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۸). در شهرک‌سازی‌ها علاوه

بر اهمیت دادن به ساخت مسجد، حتماً باید امکانات رفاهی، امنیتی و آموزشی مناسب برای آنها در نظر گرفته شود (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان وزارت مسکن و شهرسازی در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۵):

۲. توجه به زبان: زبان فارسی میراث فرهنگی ایرانیان است و رهبر معظم انقلاب با درک این مطلب، از مانع تراشی دشمنان در پیشرفت این عنصر فرهنگی ایرانیان پرده برمی‌دارند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با فرهنگیان کرمان در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۱۲): «من معتقدم یکی از کانال‌های کاملاً مطمئن فرهنگی ما زبان فارسی است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۷). «اکنون زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری و تمدن عمیق اسلامی محسوب می‌شود» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای دومین مجمع بین‌المللی زبان فارسی در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۲). ایشان در ترسیم چشم‌انداز در این راستا می‌فرمایند: «آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور در تاریخ ۱۳۸۴/۱/۳۰). «ما احتیاج داریم که در کشورهای اسلامی به نحوی، در کشورهای فرنگی به نحوی و بقیه کشورهای دارای تمدن‌های قدیمی به نحوی، تشخیص فرهنگی و هویتی خودمان را تبیین و ابعاد آن را روشن کنیم. این کار ابزارهایی دارد که زبان فارسی یکی از این ابزارهاست» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با ریزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۱). «در صد سال اخیر تلاش حساب‌شده‌ای علیه زبان فارسی از هند آغاز شد و حرکت‌های گسترده‌ای برای محدود کردن زبان فارسی به عمل آمد، اما درعین حال، زبان فارسی با استواری و قدرت تمام پابرجا باقی مانده است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از استادان ادبیات فارسی در کشورهای مشترک‌المنافع در تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۸):

۳. توجه به تاریخ: یکی دیگر از عناصر فرهنگی هر ملتی، تاریخ آن ملت است. دهه‌ها سال دشمنان این ملت سعی کرده‌اند شناسنامه‌های تاریخی ما را پاره کنند، ما را با یک ملت بی‌ریشه اشتباه گرفتند. یک عده هم از میان خود ما متأسفانه فریب خوردند، قضاوت دشمن را درباره ملت ایران و درباره مردم ایران پذیرفتند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم یزد در



تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲). ایشان هویت ملی را که از تاریخ و فرهنگ هر کشور نشئت می‌گیرد، اساس همه پیشرفت‌ها می‌دانند: «اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی، مهم‌ترین آنهاست. اگر یک کشوری همه پیشرفت‌ها را داشت، اما از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی اساس هر پیشرفتی است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشگاهیان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸).

و. الگوگیری از اهل بیت

یکی از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی اسلامی، بازخوانی سبک زندگی پیشوایان و انبیای الهی است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر ۹ تبعیت کنیم. جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر ۹ منطبق کند» (خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۵). ایشان حتی در بُعد حکومتی نیز بر این باورند که حاکمان باید الگویی داشته باشند و بهترین الگو، حکومت علوی است (خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۶).

۲. مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه خلیقات فردی

دومین حوزه از حوزه‌های پنج‌گانه مورد تأکید رهبر معظم انقلاب در سبک زندگی، خلیقات فردی است که در این زمینه به مؤلفه‌های تأثیرگذار ذیل اشاره فرموده‌اند:

الف. لباس و پوشش

در هر جامعه‌ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر اینکه تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی است، تابع جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه هم هست. رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت توجه به این مقوله می‌فرماید: «بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیاید یک لباس ملی درست کنیم. من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟ البته من نمی‌گویم طرح این لباس حتماً باید برگردد به لباس پانصد سال قبل؛ من می‌گویم بنشینید برای خودتان یک لباس



طراحی کنید» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان همدان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱۷). ایشان با اشاره به طرح‌های دشمن در این زمینه می‌فرمایند: «کشف حجاب از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای است که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است که این برای سلامت زن و سلامت مرد است. برای سلامت جامعه است تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۹). در دنیا سررشته فرهنگ دست عده‌ای است که آنها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و اخلاق و معرفت را برای انسان‌های بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود، اما اگر نتواند، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اқشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۱۵).

ب. خوراک و آشپزی

بر ضرورت توجه به این مقوله در قرآن نیز تأکید شده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴). رهبر معظم انقلاب نیز شیوع بیماری‌های بی‌درمان و صعب‌العلاج و شیوع مرگ‌ومیرهای ناگهانی و سخته را نتیجه دوری از اصول تغذیه اسلامی و سبک زندگی دینی می‌داند. به باور ایشان، بسیاری از انحرافات اخلاقی غیرقابل کنترل نیز می‌تواند حاصل دوری از اصول اساسی تغذیه در مکتب اسلام باشد، که باید هزینه‌های سنگین آن را پردازیم، درحالی‌که همین هزینه را می‌توان در راه توسعه رفاه عمومی و فرهنگی مصرف کرد. در اقتصاد مقاومتی این نوع نگاه مهم است که برای کاستن از هزینه‌های زاید دنبال راهکارهایی بود. یکی از بهترین راهکارها، توجه به اصول تغذیه است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ج. سفر و تفریح

چگونگی گذراندن اوقات فراغت تا حدود زیادی می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی‌های فکری فرد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ای باشد که فرد در آن زندگی می‌کند. باید بتوان خواسته‌های جوانان و نوجوانان را مدیریت کرد و تفریحات سالم متناسب با گروه سنی‌شان را به آنان شناساند. هر



تفریحی که به حرام خدا نینجامد، تفریح سالم است. درس خواندن، پاک‌دامنی و پرهیز از سرگرمی‌های عاقل و باطل، جزء وظایف جوان‌هاست (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴). ایشان جوانان را از اسراف حتی در این حوزه از زندگی نیز برحذر می‌دارند و می‌فرمایند: «کسانی هستند که حتی در کارهای تفننی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. مثلاً به خارج از کشور مسافرت می‌کنند. در این کشور به این بزرگی خیلی‌ها همین تفریح و تفرج را هم نمی‌توانند بکنند. بعضی‌ها تا دستشان به دهانشان می‌رسد، برای تفریح و تفرج خودشان یا خانواده‌هایشان، به فلان کشور خارجی می‌روند. اینها اسراف قطعی و حرام است» (خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۴).

د. اصلاح الگوی مصرف

رهبر معظم انقلاب ضمن تشریح زمینه‌های تغییر و تحول جدی در جامعه و با اشاره به موضوع اسراف‌های شخصی و عمومی و مصرف بی‌رویه منابع کشور، مسئولان قوا و مردم را به برنامه‌ریزی و حرکت در مسیر اصلاح الگوی مصرف دعوت کردند. فهم الگوی مصرف، آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی آن، با در نظر گرفتن سبک زندگی طبقات مختلف جامعه میسر می‌شود (سخنرانی در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۴). ایشان اشرافیگری و مصرف بی‌رویه را بیماری و دارای تبعات منفی فرهنگی برای کشور می‌دانند: «صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ به معنای ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است» (سخنرانی در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱).

۳. مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه خانواده

اهمیت و تقدس خانواده در اسلام از تأکیدهایی که در روایات بر تشکیل خانواده وارد شده قابل اثبات است. در این حوزه نیز مؤلفه‌هایی مورد توجه رهبر معظم انقلاب است.

الف. ازدواج

در مسئله ازدواج، امر نخست سن ازدواج است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «سنین ازدواج، نه به آن شوری باشد که بعضی‌ها فکر کردند باید در سنین کاملاً جوانی زودرس باشد نه هم به آن بی‌نمکی که غربی‌ها انجام می‌دهند و در سن سی-چهل سالگی



ازدواج می‌کنند» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۷). امر دوم سهولت ازدواج است. ازدواج باید امری آسان باشد نه امری دشوار، پرهزینه و خارق‌العاده (همان). امر سوم لزوم حذف برخی قیدوبندهای باطل در ازدواج است. اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام ازاله کرده، دور و پاک باشد و به آن سنت‌هایی که اسلام بنیان‌گذاری کرده است، آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر اسلام⁹ و رهبر عظیم‌الشان بشر خواهد شد (خطبه عقد در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲۲). ایشان در تبیین معیارهای ازدواج خوب می‌فرمایند: «بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی هتل چنین و چنان رفتن، سالن‌های گران گرفتن، خرج‌های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوا و پاک‌دامنی و بلندنظری آنهاست» (خطبه عقد در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۱۸). ایشان درباره لزوم حذف برخی تشریفات مضر از مسیر ازدواج جوانان می‌فرمایند: «از بعضی‌ها وقتی می‌پرسیم که شما چرا برای دو نفری که می‌خواهند زندگی بکنند، بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای خودتان درست کنید، می‌گویند: خب ما داریم. چون داریم، می‌خواهیم بکنیم. آیا این استدلال کافی است؟ این استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند، بتواند» (خطبه عقد در تاریخ ۱۳۷۵/۸/۵).

ب. روابط خانوادگی

اگر جامعه به افرادش وابسته باشد، افراد نیز به خانواده خویش وابسته‌اند. دانش‌های انسانی امروز به دو دسته دانش‌های مربوط به انسان و دانش‌های مربوط به اجتماع تقسیم می‌شوند. این تقسیم بسیار ناقص است و همه شئون زندگی مادی انسان را دربر نمی‌گیرد؛ چراکه خانواده در آن دیده نشده است. باید گفت که دانش‌های انسانی باید بر سه دسته روان‌شناسی، خانواده‌شناسی و علوم اجتماعی تقسیم شود. این تقسیم‌بندی در دانش فلسفه اسلامی در نظر گرفته شده است که در آن، پس از تقسیم علم به نظری و عملی، دانش عملی را به سه قسم روان‌شناسی (اخلاق)، جامعه‌شناسی (سیاست مُدُن) و تدبیر منزل تقسیم می‌کنند، که متأسفانه علم تدبیر منزل از یادها رفته و روان‌شناسی بار آن را بر عهده گرفته است. پس



اولین گام در این راستا، احیای علم خانواده‌شناسی است تا در این بستر بتوان راهکاری نظام‌مند برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی ارائه داد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «آن کشورهایی که در آن خانواده دارد ضایع می‌شود در واقع پایه‌های مدنیت آنها دارد می‌لرزد و نهایتاً فروخواهد ریخت» (خطبه عقد در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۹). ایشان برای رفع این معضل می‌فرمایند: «همت مهمتان باید این باشد که واقعاً از کار زن گره‌گشایی کنید. یکی از مهم‌ترین گره‌ها در خانواده است.» وی بر مبنای قرار گرفتن خانواده در همهٔ مسائل کشور تأکید و به لزوم کیفیت‌بخشی به حضور زنان در خانواده‌ها اشاره می‌کنند و به زنان توصیه می‌فرمایند که خانواده را فدای شغل‌های اجرایی بیرون از خانه نکنند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۴). ایشان برای حل بحران زن در جهان، دو اقدام ضروری را متذکر می‌شوند: نخست درست فهمیدن جایگاه زن در جامعه و دوم، درست فهمیدن جایگاه خانواده (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۳). نظر اسلام در باب جایگاه زن در خانواده، روشن است. جایگاه زن در خانواده همانی است که در فرمایش‌های ائمه آمده است: «المرأة ریحانة ولیست بقهرمانه» (نهج البلاغه: نامه ۳۱). قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ گل خانه است. اینها نظرهای اسلام است و تحقق خواستهٔ اسلام در خانواده، احتیاج به پشتوانهٔ قانونی و ضمانت اجرایی دارد و این کار باید انجام بگیرد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۳).

ج. حد زاد و ولد

مدتی است که در فیلم‌ها، مجموعه‌های ورزشی و... در غرب، روی بحث خانواده، فرزند و جمعیت تأکید زیادی می‌شود. مراسم اهدای جام در مسابقات ورزشی و حضور کودکان و فرزندان بازیکنان در زمین، شاید نوعی تبلیغ خانواده‌مداری و سوق دادن شهروندان اروپایی به سمت تشکیل خانواده و تولید مثل است. نگاه جامعه به گروه‌های مرجعی همچون بازیگران سینما، بازیکنان فوتبال، خوانندگان و هنرمندان در غرب، باعث شده سیاست‌گذاران غربی توجه ویژه‌ای برای نقش‌آفرینی آنها در افزایش جمعیت داشته باشند. یکی از مؤلفه‌های قدرت، جمعیت کشور محسوب می‌شود. رهبر معظم انقلاب با اشاره به ضرورت کثرت جمعیت



می فرمایند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۶). ایشان با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی می فرمایند: «در اوایل دهه هفتاد اجرای این سیاست بنا بر مصالحی صحیح بود، اما ادامه آن در سال‌های بعد خطا بود. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود. یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است. در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۳).

۴. مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه خلیات اجتماعی

رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ زندگی جمعی نیز مؤلفه‌هایی را برای سبک زندگی اسلامی تبیین فرموده‌اند که این مؤلفه‌ها را ذیل دو عنوان انضباط اجتماعی و قانون‌مداری می توان جمع کرد.

الف. انضباط اجتماعی

در مسئله انضباط اجتماعی، تأکید بر اصلاح رفتارهای غلط اجتماعی، از قبیل فرهنگ نادرست رانندگی، فرهنگ نادرست آپارتمان‌نشینی و... است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). ایشان با اشاره به تأثیر رفتارهای تک‌تک افراد جامعه در دیگران می فرمایند: «آنچه که ما در تحول همراه با پیشرفت مورد نظرمان است، مبارزه با فقر، تبعیض، بیماری، جهل، ناامنی، بی‌قانونی، مدیریت‌ها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن، انضباط اجتماعی، رشد امنیت و... است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشگاهیان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸). همچنین می فرمایند: «باید کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند برای دمیدن دو روحیه وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه‌ریزی کنند» (پیام نوروزی در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱).



ب. قانون‌مداری

قانون از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، از اغتشاش جلوگیری می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴). قانون قالب عملکرد همگان است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان قزوین در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۶) و حتی قانون بد، از بی‌قانونی بهتر است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم ۱۳۹۰/۱۰/۱۹). قانون معیار و شاخص عدل است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۷). همچنین در این زمینه فرموده‌اند: «توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانون‌گذاری و به همه آحاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی‌تواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴).

۵. مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه کسب و کار

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در سبک زندگی باید بدان توجه شود، حوزه کسب و کار است. در این حوزه، رهبر معظم انقلاب بر دو عنصر وجدان کاری و توجه به کار جمعی تأکید فراوان دارند.

الف. وجدان کاری

رهبر معظم انقلاب از مسئولان می‌خواهند به مسئله ساعات مفید کار توجه و کار را برای مردم به‌عنوان عبادت ترسیم کنند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۶). ایشان کار را عمل صالح (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگران و کارآفرینان در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۴) و وجدان کاری را ضرورت قلمداد می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگران و معلمان در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۰) و در بیان علائم تحقق وجدان کاری می‌فرمایند: «اگر تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد، کارهای اجتماعی، اداری و اقتصادی، روان‌تر و آسان‌تر شده، اجناس مورد استفاده مردم فراوان‌تر باشد، نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما بیدار شده است» (پیام نوروزی در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱).



ب. توجه به کار جمعی

قرآن کریم مسلمانان را به تعاون و همکاری فرامی خواند (مائده: ۵). کارشناسان علوم اجتماعی بر این باورند که مهم‌ترین عامل توسعه در هر کشوری، ابزار، فناوری و پول نیست، بلکه نیروی انسانی است که اتحاد و همکاری این نیروها می‌تواند موانع پیشرفت و آبادانی را سریع‌تر و با زحمت کمتری از سر راه بردارد. رهبر معظم انقلاب بی‌توجهی به کار جمعی را یکی از عیوب ملت ایران می‌دانند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۸): «کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با معلمان و استادان دانشگاه‌های خراسان شمالی در تاریخ ۲۰/۷/۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

سبک زندگی همان ساحت عینی تمدن است؛ یعنی هرآنچه تمدن سیمای خود را در آن عیان می‌کند، در مجموعه سبک زندگی جای می‌گیرد. زمانی پای تمدن نو به عالم واقع گشوده می‌شود که سبک خاصی از زیستن در تمام شئون زندگی این جهانی انسان اجتماعی و نیز اجتماع انسانی به نمایش درآمده باشد. بنای تمدن اگرچه بر مبنایی از بینش و اندیشه استوار می‌شود و بالا می‌رود، شمایل این بنا تا در قواره‌ای خاص از سبک زندگی قوام نیابد، به تماشا هم درنیاید. زندگی تمدن‌ساز زندگی مؤمنانه و مجاهدانه است. تمدن اسلامی بر بنیان‌های مرصوص ایمان به توحید و عمل صالح اهل ایمان که همان عبودیت حق است استوار می‌شود. این دو به‌طور کامل ملازم یکدیگرند. عبودیت یعنی همان سبک خاص زیستن که در همه شئون حیات اجتماعی مابازای خاص خود را اقتضا می‌کند، ریشه در ایمان دارد و اشتداد ایمان نیز در مراتب یقین در گرو عمل صالحی است که مقتضای همان ایمان است. سبک زندگی تمدن‌ساز از دیدگاه و در اندیشه رهبر معظم انقلاب، همان عقل معاش است که نرم‌افزار تمدن اسلامی است. مؤلفه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب در پنج حوزه فکر و اندیشه، خلیقیات فردی، خانواده، خلیقیات اجتماعی و کسب‌وکار دسته‌بندی می‌شود. در حوزه فکر و اندیشه، مؤلفه‌هایی مثل ایمان، علم و آگاهی، پرهیز از



تقلید، توجه به نمادهای دینی و توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی باید مورد توجه قرار گیرند. در حوزه خلقیات فردی، مؤلفه‌هایی مثل لباس و پوشش، خوراک و آشپزی، سفر و تفریح و الگوی مصرف باید اصلاح شوند. در حوزه خانواده، مؤلفه‌هایی مثل سبک ازدواج، سبک روابط اجتماعی در درون خانواده و سبک تولید مثل باید اصلاحات جدی را به خود ببیند. در حوزه خلقیات اجتماعی، به مؤلفه‌هایی مثل انضباط اجتماعی و قانون‌مداری باید توجه کرد. در حوزه کسب‌وکار نیز به دو عامل وجدان کاری و روحیه کار جمعی باید توجه جدی داشت.

منابع

- قرآن کریم.

- آجیلی، هادی و مهدی بیگی (۱۳۹۲). «کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه‌داری»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، س ۴، ش ۱۳، ص ۸۱-۱۱۰.
- باکاک، روبرت (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران، شیرازه.
- باینگانی، بهمن و دیگران (۱۳۹۲). «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی»، مهندسی فرهنگی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). «ره‌گشای انسانیت؛ نهج‌الفصاحه»، ترجمه ابراهیم احمدیان، قم و تهران، گلستان ادب و فروزان.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۴). «افسون‌زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار»، ترجمه فاطمه ولیانی.
- شریعتی، سیدصدرالدین (۱۳۹۲). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات»، فرهنگ.
- شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۱). «اخلاق و سبک زندگی اسلامی»، قم، دفتر نشر معارف.
- صفار هرندی، سجاد (۱۳۸۹). «سبک زندگی چند سال دارد؟ (تاریخچه تولد مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی)»، سوره اندیشه.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۱). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی»، مطالعات اجتماعی و رسانه.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان. تهران، نی.



- متقی هندی (۱۴۱۹ق). **کنز العمال**، تحقیق محمود عمر الدمیاطی. بیروت.
- مهدوی کنی، محمدمسعود (۱۳۸۷). **دین و سبک زندگی**، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۰). «... و سبک زندگی». نشریه **سوره اندیشه**.
- میلانی، سیدهاشم (۱۴۲۳ق). **نهج البلاغه**، نجف اشرف، العتبة المقدسة العلویة.
- هادوی، اصغر (۱۳۹۱). «آغاز سبک زندگی اسلامی از خراسان شمالی»، پاسدار اسلام، ش ۳۷۲، ص ۴۲-۴۳.
- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، www.khamenei.ir

